

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بازنویسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان

۱- زینب بنی اسدی، ۲- دکتر محمدرضا صرفی، ۳- دکتر یدالله آقاعباسی

۱-دکتری دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده علوم انسانی، بخش زبان و ادبیات فارسی

۲-استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده علوم انسانی، بخش زبان و ادبیات فارسی

۳-استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده علوم انسانی، بخش زبان و ادبیات فارسی

Email: baniasadi.zb@gmail.com

Email: m_sarfi@yahoo.com

Email: yaghaabasi@yahoo.com

چکیده

در بازنویسی از متون کهن برای کودکان و نوجوانان، بیشتر به کل یک متن و تدوین دوباره یک اثر اشاره می شود، که باید بدون دخل و تصرف در محتوا صورت بگیرد و هدف آن باید متناسب کردن نوشته با گروه سنی کودک و نوجوان باشد. با توجه به نیاز متون کهن به ساخت جدید، روش بازنویسی را می توان ویژه آثار کهن دانست. زیرا اکثر این آثار کهن ادبی برای انطباق با سلیقه و پسند کودک و نوجوان امروز، نیاز به دوباره سازی دارند.

در این مقاله، تلاش شده است با توجه به یکی از روش های مهم در رابطه با ادبیات کودک و نوجوان یعنی بازنویسی، اصولی کلی برای بازنویسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان ارائه شود.

کلمات کلیدی: ادبیات داستانی، کودک و نوجوان، بازنویسی

۱. مقدمه

بازنویسی را می توان یکی از شیوه های مهم و کاربردی در جلوگیری از فراموشی فرهنگ و اندیشه غنی اندوخته شده در طول سالیان دراز دانست. یک بازنویسی موفق می تواند با ایجاد پل ارتباطی میان میان فرهنگ ارزشمند گذشته و فرهنگ امروزی، گنجینه فرهنگی و ادبی پربار به جای مانده از گذشتگان و فرهنگ امروزی، تأثیری بسزا در شکل گیری هویت ملی و فرهنگی در طی مراحل رشد کودک و نوجوان داشته باشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در بازنویسی آثار ادبی کهن، آشنا کردن مخاطب کودک و نوجوان با سنت های ارزشمند ملی و فرهنگی، نقش و کارکرد مناسب آثار بازنویسی شده در هویت سازی، مقابله با تهاجم فرهنگی، ایجاد ارتباط تاریخی و فرهنگی مخاطب کودک و نوجوان با محیط تاریخی و فرهنگی سرزمین خود، ایجاد ارتباط میان گنجینه فرهنگی و ادبی پربار به جای مانده از گذشتگان و فرهنگ امروزین و کمک به کسب هویت ملی و واقعی مخاطب، آشنایی کودکان و نوجوانان با زبان و ادبیات پارسی، انتقال اطلاعات دینی، تاریخی، اخلاقی، حماسی و دیگر اطلاعات عمومی و پایه‌ای موجود در آثار کهن و خدمت به گفت‌وگوی میان فرهنگ ها در سطح جهانی، توجه به سن، سلیقه و کلام ارتباطی مناسب گروه سنی کودک و نوجوان، استفاده از لحن و آهنگ مناسب و اهمیت دادن به وجه روان شناختی این گروه سنی از ضروریات هنر بازنویسی است.

۲. ادبیات داستانی و غیر داستانی

ادبیات داستانی در معنای جامع آن به نوشته‌ها و سروده‌هایی اطلاق می‌شود که بر پایه تخیل نویسنده خلق می‌شود. در آفرینش این گونه آثار، عنصر اصلی یعنی تخیل نسبت به واقعیت نمود بیشتری دارد. ادبیات غیر داستانی نیز، آن دسته از آثاری را در بر می‌گیرد که هدف از آفرینش آن، ارائه اطلاعات و یا دانش خاص به مخاطب باشد. این انتقال اطلاعات می‌تواند در هر زمینه‌ای ارائه شود. آنچه ادبیات غیرداستانی را از ادبیات داستانی متمایز می‌کند، این است که عنصر تخیل در این آثار، عنصر اصلی و مرکزی محسوب نمی‌شود. در زبان و ادبیات فارسی، ادبیات داستانی بیشتر به آثار منثور اشاره دارد. «ادبیات داستانی بخشی از ادبیات تخیلی است و تفاوت عمده آن‌ها با هم در این است که ادبیات داستانی هم انواع آثار داستانی روایتی منثور را در بر می‌گیرد، یعنی هر اثر روایتی منثور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معناداری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد.» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۱).

بنا بر آنچه بیان شد، در آثار خلق شده برای کودک و نوجوان، یکی از موضوعات اساسی، تعیین محدوده نوشته است. با تعیین نوع نوشته، ساختار و قالب مطالعه مشخص می‌شود و دید نویسنده و خواننده از متن نوشته، هدفمند خواهد شد. ادبیات داستانی کودک و نوجوان

ادبیات در معنای جامع آن به کلیه آثاری گفته می‌شود که از روی اراده و با زیبایی، سبک و شکل خاص خود در جهت مقصودی معین ارائه می‌شود. برای تسخیر دنیای ذهن کودکان و نوجوانان و ایجاد ارتباط زبانی و عاطفی با آنان، باید ذهن، زبان و کلامی کودکانه و متناسب با فضای سرشار از خلاقیت و طراوت این دوران داشت. ادبیات کودک و نوجوان باید با تأثیرگذاری در فکر و روحیه مخاطب خود، موجبات رشد امیال کودک و نوجوان را فراهم آورد.

ادبیات کودک و نوجوان به معنا و مفهوم امروزی آن سابقه چندانی ندارد. «در گذشته ادبیات کودکان به مفهوم امروزی خویش مطرح نبوده؛ چرا که کودکان را الگوهای کوچک شده بزرگسالان می‌دانستند و توجهی به خواسته‌ها و ویژگی‌ها و نیازهای خاص آنان نداشتند، اما امروزه با تغییراتی که در ارزش‌ها و نگرش‌ها به وجود آمده، موضوع ادبیات کودکان [و نوجوانان] یکی از موضوعات تخصصی مطالعه و تحقیق شده است.» (قاسم پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳). در ایران نیز با وجود

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قدمت تاریخی و بهره‌گیری گنجینه غنی ادبیات عامیانه، ادبیات کودکان به معنای امروزی آن پیشینه چندانى ندارد. «تقریباً بیش‌تر قصه‌ها و افسانه‌های رنگارنگ و متنوعی که از دوران پیش از تاریخ در فضای فرهنگ ایران شناور بوده و بسیاری از آن به عنوان دست آوردهای اساطیری و ادبیات عامه و حکایت‌های کهنسال ادبیات رسمی به دست ما رسیده است، به دنیای ویژه کودکان تعلق داشته است.» (قاسم پور، اکبری و یارویی، ۱۳۸۶: ۱۷).

علاوه بر این، آثاری مانند «خدای نامه»، «یادگار زیربان»، «بهرام چوبین»، «پیران ویسه»، و داستان «رستم و اسفندیار»، «هزار و یک شب» و «ارداویراف‌نامه»، از دوران پیش از اسلام به جای مانده است، که امروزه می‌توان این آثار را بازنویسی و بازآفرینی کرد و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار داد.

در ایران، در میان آثار بر جای مانده پیش از اسلام که امروزه نیز منبع غنی و ارزشمندی برای تولید یا بازتولید آثار مناسب طبع کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود، می‌توان از «اندروز نامه کسری انوشیروان به پسرش هرمز» یا «اندروزنامه انوشیروان به پسرش شاپور» و «مرزبان نامه» را نام برد که اکثراً به زبان تمثیل بیان شده است.

«امروزه این موضوع چنان همه‌جاگیر و جهانی شده است که در دانشگاه‌ها موضوع درس و تحقیق قرار می‌گیرد و مؤسسه‌ها و کانون‌ها و جمعیت‌های زیادی در راه تکامل آن تحقیق و موشکافی می‌کنند و کتاب‌ها نوشته و می‌نویسند.» (حجازی، ۱۳۸۷: ۲۱).

نمی‌توان برای ادبیات کودک و نوجوان تاریخ شروعی را معین کرد. اما تاریخ شکل‌گیری آن را می‌توان از زمان پیرایش قصه‌ها، مثل‌ها و افسانه‌ها که در میان ملل گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد، دانست. این حکایات ضمن تحت تأثیر قراردادن ذهن و فکر مخاطب، نقش مهمی در پرورش او داشت.

جمع‌آوری داستان‌ها و افسانه‌های فرهنگ عامه توسط «شارل پرو» فرانسوی در اواخر قرن هفدهم میلادی را آغازگر پیدایش ادبیات کودکان در جهان به شمار می‌آورند. کار اصلی آنان جمع‌آوری فرهنگ عامه به شکل بازنویسی و انتقال آن به نسل‌های بعد بود.

«طی دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای جهان، ادبیات کودک صاحب هویت و جایگاه ویژه خود شده است. این بخش به عنوان یک بخش مستقل از ادبیات هر روز از نظر کمی و کیفی گسترده‌تر و غنی‌تر می‌شود. ادبیات کودک، خواه ویژه کودکان آفریده شده باشد یا از منابع دیگر برگرفته شده باشد، وقتی به راستی ادبیات کودک به شمار می‌آید که مناسب عالم کودکان و متناسب با خصوصیت ذهنی آن‌ها و همین‌طور با خواسته‌های مراحل مختلف رشد ذهنی آن‌ها مناسب باشد.» (پولادی، ۱۳۸۷: ۲۴).

ادبیات کودک و نوجوان، برای آن‌که به عنوان یک نوع ادبیات مستقل شناخته شود، باید در مرحله اول ویژگی‌های زیبایی شناختی خاص خود را داشته باشد تا بتواند موضوع ارزیابی و ملاک سنجش این بخش از ادبیات باشد. در مرحله دوم باید برای آفرینش خلاقیت از موضوعات خاص خود بهره بگیرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ادبیات کودک و نوجوان با اهدافی عالی و سازنده برای به دست آوردن نیازهای خاص این سنین، برانگیختن قوه تصور و خیال، گسترش قوه ذهن، غنی کردن فرهنگ و انتقال حقیقت و عمیق کردن بینش آنان نسبت به جهان و انسان به کار می‌رود. در واقع آنچه به ادبیات کودک و نوجوان معنایی خاص می‌دهد، وجود تفاوت‌هایی است که میان نیازهای روانی-اجتماعی آنان با بزرگسالان وجود دارد. تفاوت‌ها و محدودیت‌هایی مانند: محدودیت گنجینه لغات، محدود بودن تجربه انسانی از نظر نوع، وسعت و میزان تجربه و محدودیت دقت.

نعمت‌اللهی در کتاب «ادبیات کودک و نوجوان، شناسایی، ارزشیابی و ارزش گذاری» در تعریفی جامع از ادبیات کودک و نوجوان، که دیدگاه اکثر صاحب‌نظران را در بر دارد، می‌گوید: «محاکات (نسخه برداری و همانندسازی از آفاق و انفس)؛ انتقال جهان در قالب واژه‌ها، گزارش، توضیح و تفسیر آفاق و انفس به شیوه خاص (بدون یاد کرد مستقیم حقیقت، از حقیقت سخن گفتن)؛ تفاوت هنری مرقوم در قالب کلام؛ چگونگی تغییر و بیان احساس، عاطفه‌ها و اندیشه‌ها در صورت‌های گوناگون؛ مجموعه واکنش‌های آدمیان در برابر عامل‌های درونی و بیرونی به صورت کلام مخیل و عاطفی؛ مجموعه آثار ادبی یک ملت، بخشی از زبان که در آدمی تحول ایجاد می‌کند؛ زبان پرورده و سرشت «زیبایی‌شناختی» یافته.» (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۵: ۳۱).

می‌توان با توجه به جنبه‌های آموزشی و جنبه‌های سرگرم‌کننده و لذت‌بخش ادبیات کودک و نوجوان، و نیز با بهره‌گیری از ارتباطی که ادبیات با هنرهای گوناگون دارد (و در واقع زیر بنای آن هاست)، کودکان و نوجوانان را با مسایل مختلف زندگی و راه‌های تجربه و روبه‌رو شدن با این مسایل آشنا کرد و با رشد و پرورش قدرت تخیل آنان، قدرت تفکر و سازندگی او را گسترش داد و از این طریق تأثیر عمیق بر فکر و روحیه او به جا گذارد. ادبیات بهترین وسیله برای انتقال میراث فرهنگی و تاریخی گذشتگان از نسلی به نسل دیگر و انتقال افکار، پیام‌ها و دیدگاه‌های پیشینیان به کودکان و نوجوانان این مرز و بوم است.

۳. عناصر داستان

نوشتن یک داستان، مستلزم پیروی از اصول، مبانی و تکنیک‌های ویژه است. داستان‌نویس، برای نگارش زنده و جذاب یک داستان باید با فنون و روش‌های داستان‌نویسی آشنایی کافی داشته باشد. عناصر تشکیل‌دهنده داستان باید به گونه‌ای هماهنگ با یکدیگر و در جهت هدفی واحد که از ساختار داستان ناشی می‌شود، عمل کنند. در واقع، عناصر داستان شکل اصلی و زیربنای ارائه تحلیل نویسنده به مخاطب است، عملکرد هماهنگ این عناصر، در راستای تأثیر روانی واحد، می‌تواند در استحکام اثر، بسیار مؤثر باشد.

«استفاده درست از عناصر داستان، ساختار آن را انسجام بخشیده و آن را به قوت می‌رساند. در واقع هماهنگی و عملکرد درست عناصر داستان، طوری که تأثیر روانی خاصی روی خواننده بگذارد، حکایت از استحکام داستان و به جا استفاده کردن از این عناصر است. یک نویسنده خوب، با دقت و سختگیری، عناصر داستانش را انتخاب می‌کند و چیزی را که به پیشرفت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هدف داستان کمک نمی‌کند؛ کنار می‌گذارد. البته کار او تنها انتخاب این عناصر نیست، بلکه مهم‌تر از آن ترکیب و چینش اجزای منتخب به گونه‌ای مرتبط است.» (حسنی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). این استفاده صحیح چیزی را می‌سازد که به آن سمفونی نسبیّت گفته‌اند.

«داستان زیبا، سمفونی منسجمی است که در آن ساختار، موقعیت، شخصیت، [...] و ایده، پیوندی ناگسستگی دارند. نویسنده باید برای هماهنگ کردن این عناصر به مطالعه عناصر داستان بپردازد، چنانکه گویی این عناصر سازهای یک ارگسترند، نخست به صورت مجزا و سپس در کنار هم.» (مک‌کی، ۱۳۹۱: ۲۱).

مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده داستان عبارتند از: موضوع، پیام، طرح، شخصیت، گفت‌وگو، فضا (زمان و مکان)، صحنه، کنش و زاویه دید که در ادامه به تبیین و تفسیر این عناصر خواهیم پرداخت.

بازنویسی

در بازنویسی از فرهنگ و ادب عامه یا فولکلور، نویسنده باید جانشینی مناسب برای عبارات و کلمات قدیمی موجود در متن اولیه بیاید، به گونه‌ای که برای کودک و نوجوان قابل فهم باشد. در واقع هنگامی که نویسنده بدون دخل و تصرف در یک اثر ادبی، با زبانی ساده و متناسب با توان مخاطب به بازگویی و بازنویشتن اثر می‌پردازد، اقدام به بازنویسی کرده است. این بازنویسی باید بدون ایجاد تغییر در محتوا و درون مایه اثر اولیه صورت پذیرد. البته نویسنده این اختیار را دارد که دیدگاه و جهت مورد نظر خود را به متن اولیه اعمال کند.

«نگارش مجدد تمام و یا سهمی از یک اثر با استفاده از فن تلخیص و ساده‌نویسی به طریق بازنویسی، ساده‌نویسی و بازآفرینی بدون تغییر درونمایه و محتوا، بازنویسی نامیده می‌شود.» (هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۳). در طی دو سه دهه گذشته، بازنویسی‌های صورت گرفته از منابع فرهنگ ایرانی اعم از منابع ادب رسمی و یا ادب عامه، نقشی مؤثر در ایجاد ارتباط و پیوند میان کودکان و نوجوانان و گنجینه ادب و فرهنگ و جلوگیری از تهاجم فرهنگی غرب داشته است.

آشنایی نویسنده با انواع ادبی و خلاقیت هنری او، این امکان را به او می‌دهد که بتواند از عناصر و ابزارهای ساختاری، نهایت بهره را ببرد. در این میان، دانش و اطلاعات و شناخت کافی نویسنده با ساختار انواع کهن و نیز قدرت نویسندگی و خلاقیت ذهنی او در بازنویسی، نقشی مهم و سازنده در موفقیت اثر خواهد داشت.

«می‌توان گفت چون اثر کهن، دارای نظام و عناصر تشکیل‌دهنده خاص است که در موقعیتی و مقطعی معین به وجود آمده و بدان شکل در آمده، اکنون که بازنویس می‌خواهد ضمن حفظ چارچوب موضوع، فضای تازه‌ای برای دریافت مجدد از ارزش‌های کهن فراهم آورد، به دقت و توانایی‌های خاصی نیاز دارد.» (پایور، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

در طی فرایند بازنویسی، نویسنده با بیان و زبانی ساده و شاخ و برگ دادن به اثر اولیه، به خلق اثر خود می‌پردازد. در این فرایند، نویسنده بدون تغییر در چارچوب هویتی اثر اولیه، مجاز به نوآوری و تغییر در شکل و ساختار متن کهن است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نویسنده با استفاده از فضا سازی های مناسب و ایجاد ارتباط میان فضاها و صحنه ها و رخدادها و نیز اعمال دیدگاه های شخصی خود، اثری با ساختار جدید را ارائه می دهد.

«در روش بازنویسی به دلیل آن که نویسنده، فکر اصلی و محتوای اصلی اثر کهن را که متعلق به اثر دیگری است، نگه می دارد و روی بُعد ساختاری اثر کهن کار می کند، بنابراین بُعد ساختاری اثر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و می تواند یک بازنویسی خلاق را همپای یک اثر بازآفرین شده ارزش هنری ناب دهد.» (پایور، ۱۳۸۸: ۵۱).

با این توضیحات می توان دریافت که تنها به زبان روز درآوردن متون کهن به گونه ای که دشواری بیان و طرز قدیم از آن ها گرفته شود، برای تعریف بازنویسی کافی نیست. آنچه در این میان مهم است، دادن ساختار جدید به متن کهن همراه با حفظ محتوای آن است. ارزش نهایی اثر بازنویسی شده بستگی کامل به چگونگی ساخت دارد. بازنویسی را به طور کلی مربوط به تعدیل ساختار به گونه ای که کهنگی و دشواری زبان و سبک قدیم نثر از آن گرفته شود، می دانند. با بررسی آثار بازنویسی شده ادبیات کهن می توان دریافت که نویسنده بازنویس برای ارائه اثر خود از دو شیوه بازنویسی ساده و خلاق استفاده کرده است.

در بازنویسی ساده، نویسنده همزمان با حفظ موضوع و محتوای اثر اصلی، متن اصلی را با ساختی ساده همراه با ایجاد تغییرهای دلخواه به زبان و بیانی ساده ارائه می دهد. این تغییرها می تواند شامل جابجایی و پس و پیش کردن حوادث داستان اولیه و یا افزودن و یا کم کردن حوادث و حکایت های موجود در داستان و نیز به کار بردن ابتکارهایی در بن مایه های درونی اثر صورت بگیرد.

در واقع می توان گفت که در بازنویسی ساده، نویسنده موضوع، پیام و مضمون آثار کهن را به زبانی قابل فهم و امروزی در می آورد. در بازنویسی خلاق، مانند بازنویسی ساده، علاوه بر حفظ موضوع و محتوای اثر کهن، نویسنده با بهره گیری از خلاقیت هنری و ایجاد تغییرهای ساختاری، به اثر خود خلاقیت و بُعد هنری جدید می بخشد. به گونه ای که بنا بر دیدگاه برخی از صاحب نظران، می توان ارزش این نوع بازنویسی را با بازآفرینی و آفرینش مستقیم یک اثر، یکسان دانست. در بازنویسی خلاق، نویسنده برای دادن ساختی نو به اثر خود، از تکنیک هایی همچون خلق فضاهای جدید، ایجاد ارتباط میان حوادث و رویدادها، پروراندن شخصیت های داستان و شناساندن کیفیات روحی و درونی و نیز رفتارها و عملکردهای آنان در طی حوادث و رویدادهای داستان به مخاطب، تلاش می کند که به اثر خود ساختی نو بدهد.

«با بررسی آثار نویسندگانی - چه گذشته و چه معاصر - که با بهره گیری از اصول و تکنیک های روش بازآفرینی خلاق به وجود آمده اند، در می یابیم که در اکثر این آثار، نویسنده با ساخت زمینه های مناسب، امکان بروز حالت های مختلف شخصیت ها و رویارویی و واکنش آنان با حوادث را فراهم ساخته است. توصیف خصوصیت های ظاهری آنان، دخالت عامه در رویدادها و نقش آنان در پیشبرد حوادث، تصویر به موقع موقعیت ها و تجسم فضاهای قدیمی و سنتی و آمیختگی آن ها با روند موضوع، بسترهای مناسبی برای تکوین داستان امروزی و تغییر نوع ادبی اثر کهن به اثری جدید است، در حالی که چارچوب موضوع حکایت پیشین و محتوای آن حفظ شده است.» (پایور، ۱۳۸۸: ۱۵۳).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بنابراین، نویسنده بازنویس با بهره‌گیری از ابزار و مصالح لازم برای تغییر ساخت یک اثر کهن، با استفاده از خلاقیت خود روح تازه‌ای را در اثر کهن می‌دهد. البته می‌توان گفت که ساده و یا خلاق بودن یک اثر بازنویسی شده، با توانایی‌های تکنیکی و خلاقیت هنری نویسنده‌ی بازنویس ارتباط مستقیم دارد.

چگونگی آفرینش و ساخت مایه‌های درونی دیدگاه‌های نویسنده، از عوامل تأثیرگذار در ساخت اثر بازنویسی شده است. نویسنده در بازنویسی ساده، با بهره‌گیری از دانش و اطلاعات خود در زمینه ادبیات و نیز آشنایی خود با قواعد و دستور زبان فارسی، با قرار دادن اثری قابل خواندن در اختیار مخاطب، او را با اثری کهن آشنا می‌کند. و در بازنویسی خلاق، علاوه بر رعایت نکات فوق، نویسنده این امکان را به مخاطب می‌دهد که به نوعی دریافت تازه از اثر کهن دست یابد. بهره‌گیری مناسب نویسنده بازنویس از ابزار و عناصر ساختاری داستان، از جمله زبان در ارائه ساختی قوی از اثر بسیار اهمیت دارد. این بازنویسی می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی از جمله، بازنویسی به نثر از یک متن منظوم، بازنویسی به نظم از یک متن مثنوی، بازنویسی به طریق نمایشنامه، و... صورت پذیرد.

در بازسازی آثار ادبی به منظور ساخت آثار نمایشی، بازسازی مجاز است که کلام و بیان اثر اصلی را حفظ و یا تغییر دهد، او می‌تواند با تقویت زبان اصلی، زبان قوی‌تر و یا عاطفی‌تری را روی اثر خود بگذارد. زبان را می‌توان یکی از ابزارهای مهم ساخت در بازنویسی دانست. به گونه‌ای که ضعیف‌بودن و یا ناهمگونی زبان در بازنویسی‌های ساده و یا خلاق در عدم موفقیت اثر بسیار تأثیرگذار است.

«نویسنده با این ابزار، جایگاه و هویت اثر خود را به ثبوت می‌رساند. با همین ابزار، طرز اندیشه و دیدگاه خود را نسبت به زندگی و هستی و روابط انسانی بیان می‌دارد و اگر کوچک‌ترین لغزش و سستی در این ابزار مشاهده شود، اثر از اعتبار لازم برخوردار نمی‌شود.» (پاپور، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

نویسنده اثر نمایشی با دخالت آگاهانه در ساخت اثر و ایجاد هماهنگی میان زبان گفتار و نوشتار و نیز هماهنگی میان اجزاء و عناصر و عوامل سازنده با تأثیر گذاری بر قضاوت مخاطب، او را به واکنش و هم‌حسی با خود وادار می‌کند. در این گونه آثار زبان برای خلق تصاویر منفرد و پویایی رویدادها نقش اساسی بر عهده دارد.

سازنده اثر نمایشی با وفادار ماندن به نکات اصلی و ارکان هویتی اثر ادبی و حفظ دیدگاه و خط فکری اثر اولیه‌ی آنگونه که ذوق و هنرش به او اجازه می‌دهد، با رعایت اصول بازسازی، اثر کلامی نویسنده را به زبان تصویر در می‌آورد. در این بازسازی، سازنده اثر نمایشی مجاز است با شگردهای ویژه‌ی تصویری و بنا بر صلاحدید خود و سایر عوامل نمایش، اثر را خلاصه کند. صحنه‌هایی را حذف، اضافه و یا جابه‌جا کند و بدین ترتیب با خلاقیت خود اعتباری دیگر به اثر ادبی ببخشد. لازم به یادآوری است که تمامی این قابلیت‌های نمایشی با حفظ ارکان هویت اصلی و با هدف ایجاد ظرفیت‌های ساختاری نمایش براساس قصدی اصلی انجام می‌گیرد.

۴. شرایط بازنویسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بازنویسی آثار کهن باید همراه با رعایت شرایط بازنویسی صورت پذیرد. شرایط مورد نیاز برای بازنویسی را می‌توان در شرایط

زیر خلاصه کرد:

۱- کیفیت محتوا

۲- کیفیت ساخت و پرداخت

۳- کیفیت زبان و شیوه نگارش

۴- کیفیت ارائه. «(هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۷).

در ادامه موارد مربوط به هر یک از شرایط بازنویسی بررسی خواهد شد.

۱- کیفیت محتوا

- احاطه و دستیابی به کل محتوای اثر اولیه، درک منظور و مفاهیم اثر و انتقال پیام آن به مخاطب.
- حفظ مفهوم و هدف متن اولیه.
- ایجاد تغییرات مفید و مورد نیاز بدون ایجاد تحریف در اثر اصلی.
- تحریک حس کنجکاوی مخاطب برای آشنا شدن با متن اصلی.
- بازنویسی کلی مضمون اثر و اجتناب از بازنویسی سطر به سطر.
- توجه به مسایل عاطفی، فرهنگی، زبانی و ذهنی مخاطب کودک و نوجوان.
- حفظ امانت و رعایت صداقت در گزینش و ارائه ی قسمت های انتخاب شده برای بازنویسی.

۲- کیفیت ساخت و پرداخت

- اجتناب از پراکندگی در ساخت و پرداخت و رساندن مخاطب به نتیجه ی دلخواه.
- حفظ هماهنگی محتوا و ساخت و انطباق محتوای اثر با متن اصلی.

۳- کیفیت زبان و شیوه ی نگارش

- رعایت اصول و قواعد زبان و ادب پارسی.
- به کارگیری فارسی ساده و زبان ساده مطلوب.
- رعایت اصل ساده نویسی در بازنویسی آثار کودک.
- توجه به ظرایف و دقایق ادبی و تناسب متن با دانش و اطلاعات مخاطب کودک و نوجوان.
- حفظ سبک و ساختار اصلی نوشته اولیه.

۴- کیفیت ارائه

- درجه بندی اثر برای گروه های مختلف سنی.
- متناسب بودن نحوه ی ارائه ی اثر با محتوای آن.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شرایط بازنویس

در مورد شرایط مورد نیاز بازنویس می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

«- احاطه ی کافی بر زبان و ادب پارسی (در حوزه ادب کودکان و ادب رسمی).

- شناخت همه جانبه ی گروه سنی مخاطب.

- دارا بودن ذوق و تخصص و توان نویسندگی کودکان و نوجوانان.» (همان: ۴۹)

در ادامه موارد مربوط به هر یک از شرایط بازنویس بررسی خواهد شد.

۱- احاطه کافی بر زبان و ادب پارسی

- آشنایی با سیر تاریخی زبان و تاریخ ادب فارسی و داشتن اطلاعات لازم در این زمینه.

- قدرت درک و ارائه ظرایف و دقایق آثار ادبی.

- شناخت کافی و عمیق از ادبیات کودک و نوجوان، نیازها و شرایط زمانی و مکانی آن.

- آشنایی با تغییرها و اصطلاحهای خاص سبکهای ادبی.

- مطالعه مقاله ها و اخبار در رابطه با کودک و نوجوان.

- مطالعه آثار بازنویسی شده موجود در باره متن و سبک اثر مورد نظر.

۲- شناخت همه جانبه ی گروه سنی مخاطب

- بهره گیری از متخصصان، مشاوران و روانشناسان امر تعلیم و تربیت.

- پاسخ گویی به مسایل ذهنی و عاطفی و انتظارهای کودکان و نوجوانان.

- شناخت میزان آگاهی و تسلط مخاطب کودک و نوجوان بر زبان و ادبیات فارسی.

۳- دارا بودن ذوق و تخصص و توان نویسندگی جهت کودکان و نوجوانان

- دارا بودن ذوق و هنر نویسندگی برای کودکان و نوجوان.

- آفرینش ادبی مستقل و مؤثر در ادبیات کودک و نوجوان و درک تفاوت بازنویسی و بازآفرینی.

۵. نتیجه گیری

بهره گیری از میراث فرهنگی یک ملت و ارائه ی این میراث در قالب جدید، سهمی به سزا در شکل گیری هویت ملی و دینی کودکان و نوجوانان دارد. در تاریخ ادبیات کلاسیک ایران، خلق آثار هنری و ادبی با بهره بردن از اندوخته های فرهنگ ملی و قصه ها و افسانه ها، سابقه ای طولانی و ماندگار دارد. با توجه به نتایجی که این بهره گیری ها داشته است، اهمیت مقوله های نظیر بازنویسی و لزوم مباحث نظری، توسط محققان و پژوهشگران عرصه ادبیات کودکان و نوجوانان بیشتر آشکار می گردد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در بازنویسی آثار ادبی کودکان و نوجوانان، توانایی فکری و هنری نویسنده و بهره بردن او از الگوها و روش‌های مناسب، دارای اهمیت بسیار است. بهترین روش برای رسیدن به یک الگوی مناسب، توجه به ویژگی‌های بارز و شاخص اثر و درک صحیح شیوه تأثیر پذیری، از ویژگی‌های آثار پیشینیان است. تحقیق و پژوهش و همچنین، نقد و تحلیل آثار بازآفرینی شده، نقشی مهم در رسیدن به یک الگوی مناسب دارد.

۶. فهرست منابع

۱. پایور، جعفر، بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، مجموعه مقاله‌های جعفر پایور، به کوشش فروغ الزمان جمالی، تهران: نشر قلمدار، ۱۳۸۸.
۲. پولادی، کمال، بنیادهای ادبیات کودکان، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.
۳. حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷.
۴. حسنی، فاطمه، شخصیت پردازی در داستان کودک رده‌ی سنی «ج»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور کرمان، استاد راهنما: فاطمه معین‌الدینی، آذر، ۱۳۸۸.
۵. سرشار، محمدرضا، مقدمه‌ای بر ادبیات کودکان و نوجوانان (۲)، ادبیات داستانی، شماره ۶۹، خرداد، ۱۳۸۲.
۶. قاسم‌پور، حسین؛ اکبری، فریدون؛ یارویی، منصور، ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: مؤسسه فرهنگی آیندگان، ۱۳۸۵.
۷. مکی، ابراهیم، شناخت عوامل نمایش، چاپ ششم، تهران: سروش، ۱۳۸۸.
۸. میرصافی، جمال، عناصر داستان، چاپ ششم، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
۹. نعمت‌اللهی، فرامرز، ادبیات کودک و نوجوان (شناسایی، ارزشیابی و ارزش گذاری)، تهران: مدرسه، ۱۳۸۵.